



تاریخ	۲۳
مرداد	
۱۳۹۵	
شنبه	

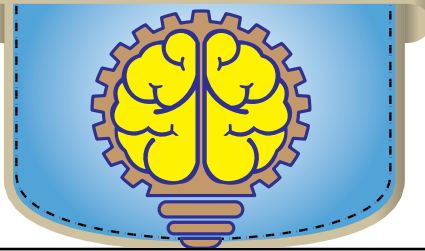
ضرب المثل های جهان

زال را زلف سفید است و دل سیاه

● ضرب المثل آذربایجانی ●

صفحه	۴
شماره	
۱۷۴۸	
سال	بیست و دوم

اندیشه



رضایت تکان می داد، پدر آستین و یقه پیراهن او را مرتب کرد و دستش را روی سر و صورتش کشید و او را در بغل فشرد، پدر یک سر و گردن از نمکی بلند تر بود، نمکی می خواست دست پدر را ببوسد که پدر نگذاشت. صدای اذان مسجد محل بلند شد، پدر دست در جیبش کرد و یک سکه ده ریالی در آورد و به نمکی داد و با اشاره از او خداحافظی کرد و چشم‌های میشی روشنش را به من دوخت و گفت: «نمکی را ببر خونه شامش بده» و توصیه کرد که مراقبش باشم به او آزاری نرسانند، نمکی هم با بلند کردن دست، خداحافظی پدر را پاسخ داد، سکه را در کیف جیبی کوچک چرمی کهنه سیاه رنگش گذاشت و با نگاهش گامهای موزون پدر را تا انتهای کوچه بدرقه کرد.

مقداری چلو که از ظهر باقی مانده بود و چند دانه شامی که مادر تازه سرخ کرده بود را در قابلمه کوچک نمکی ریختم و او به ناکجا آباد خود رفت.

یک هفته گذشت، از او خبری نشد، پدر سراغ نمکی را گرفت. اظهار بی اطلاعی کردم، دو هفته بعد در یک روز جمعه آفتابی حدود ساعت ۹ صبح زنگ منزل به صدا درآمد، رفتم در را باز کردم، دیدم نمکی کنار در ایستاده، سرش پایین بود و زیر چشمی به من نگاه می کرد، تبسمی قیامی و با خوشحالی فریاد زد: «نمکی!» سریع به اتاق پدر رفتم و گفتم: «نمکی اومده». پدر عینک را از روی چشمش برداشت و با خوشحالی گفت: «خدا را شکر». کتابش را بست و روی میز کنار قفسه کتابهایش گذاشت و عینک نزدیک بین فریم لاکسی سیاه رنگش را، روی جلد کتاب نهاد، پدر مقلد آیت الله خمینی بود و به آقای طالقانی عشق می ورزید، با هم به سمت در رفتم.

نمکی به دیوار روبه‌رو تکیه داده بود، در پرتوی آفتاب رنگش خیلی زرد به نظر می رسید، تا چشمش به پدر افتاد قدری خم شد و صدایی از دهانش خارج شد، پدر جلو رفت و پیشانی‌اش را بوسید و با اشاره از او پرسید: «کجا بودی؟» نمکی با یک دست بقیچه را گرفته بود، دست دیگرش را در جیب او رکنتش کرد و پاکت سفیدی بیرون آورد و به پدر نشان داد، داروهای که پزشک برایش تجویز کرده بود؛ قرص، شربت و آمپول پنیسیلین.

پدر با بغض گفت: «خوب میشی به یاری خدا» و دست او را گرفت و همراه خود به خانه برد من هم دنبالشان وارد خانه شدم.

با یا الله پدر، مادر که کنار حوض مشغول شستن سبزی بود، چادر را سرش کشید و گفت: «بفرما، خوش

نمکی

|| مهدی هنرجویان - برای: همسر و همراه پدر

از او شده بود و پاسخش خنده نمکی بود. نمکی، نمک می فروخت و آزارش به کسی نمی رسید، اما برخی از بچه های فضول اذیتش می کردند؛ بقیچه اش را بر می داشتند و کلاهش را دست به دست می کردند، ولی او واکنشی نشان نمی داد.

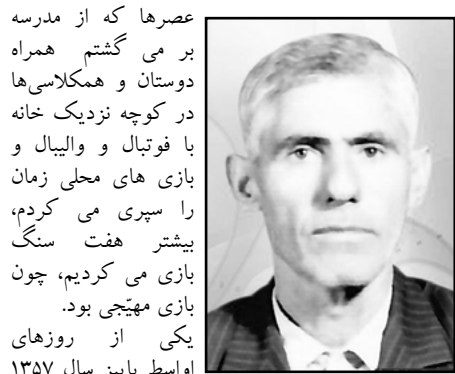
نمکی در هر خانه ای می رفت، آهسته در می زد و کنار در بی‌صدا می ایستاد و دستش را دراز می کرد. همسایه ها به او نان خشک، غذا یا پول می دادند، او نان ها را جمع می کرد و در یک گونی بزرگ می ریخت و با خود می برد و به جای آن نمک می گرفت و به مردم می داد و در عوض پول می گرفت. به همین خاطر به «نمکی» شهرت یافته بود.

ناگهان نگاه نمکی به جایی خیره شد. سرش را از روی بقیچه بلند کرد و برخواست و او رکت نظامی گشادی که به تن داشت را مرتب کرد و شلوار مشکی‌اش که خاکی شده بود را با دست تکاند و عین یک سرباز خبردار ایستاد!

نمکی، قدی متوسط داشت که سختی زندگی و مرور زمان پشتش را خمیده و از او پیرمردی شصت- هفتاد ساله ساخته بود، بچه ها، نگاه نمکی را دنبال و دور او را خلوت کردند. پدرم را دیدم، با مو و ریش جو گندمی، کت و شلوار خاکستری‌اش را با پیرهن آبی آسمانی پوشیده بود و روزنامه ای تا شده در دست داشت، پدر پاسبان شهرپانی بود که با درجه استوار دومی باز نشست شده و دوران بازنشستگی را با مطالعه کتابهای مختلف می گذراند.

هر روز روزنامه می خرید و شب ها اخبار گوش می کرد و دوستانش را در جریان انقلابی که در حال شکل گیری بود، قرار می داد.

به ما نزدیک شد، بلند شدم و سلام کردم، بچه ها هم سلام کردند، سلام همه را پاسخ داد. نمکی هم به احترام خم شد و صدای بی مفهومی از دهانش خارج شد، این صدا نهایت علاقه نمکی به شخص دوست داشتنی‌اش بود، دستش را به طرف پدر دراز کرد، پدر دستش را گرفت و فشار داد و به بچه ها گفت: «مراقب نمکی باشید، میباید ناراحتش کنید.» بچه ها چشمی گفتمند و از آنجا دور شدند، پدر با اشاره از او احوالپرسی کرد، او نیز سرش را به علامت



خورشیدی که با شور و شوق سرگرم بازی هفت سنگ بود؛ در حین بازی چشمم به «نمکی» افتاد، او کنار دیوار، زیر آفتاب بی رمق پاییزی در حال غروب، پاهایش را توی شکمش جمع کرده و سرش را روی بقیچه کنارش گذاشته بود و بازی ما را تماشا می کرد.

نفس زنان به سمت او رفتم و کنارش نشستم، سرش را از روی بقیچه نارنجی رنگی که تقاطع خطوط مشکی و بنفش، چهارخانه‌های متوازی در آن ایجاد کرده بود، برداشت و صورت سوخته اش را به طرف من چرخاند و کلاه کرکی مشکی اش را روی گوشهای سوخته و مجاله شده‌اش کشید و تبسمی کرد، زندگی نمکی داستان دردناکی بود که اهالی محل به گونه های مختلف نقل می کردند، اما همه یک وجه اشتراک داشت: «او کر و لال به دنیا آمده بود، کسی را نداشت و تنها زندگی می کرد و در یک حادثه آتش سوزی صورتش سوخته بود.» ولی کی و کجایش را کسی نمی دانست. دستش را به طرفم دراز کرد، آن را به گرمی فشردم.

چهره سوخته و گوشت های جمع شده یک طرف صورتش؛ ظاهرش را زشت و نامتعادل ساخته بود ولی روحیه ای شاد و لبی خندان داشت! در نبود من بازی پایان یافت و بچه ها دور نمکی حلقه زدند.

هرکس از او چیزی می پرسید: با این پول ها چکار می کنی؟ شب‌ها کجا می خوابی؟ چند سالت؟ زن و بچه داری؟ کی برایت غذا می‌پزد؟ پرسش هایی که ده ها بار

کازرون

فرمانده انتظامی شهرستان کازرون در آیین تجلیل از خبرنگاران :

داغ ترین خبرها و جذابترین اخبار متعلق به نیروی انتظامی است



سرویس خبری/ علی گلچین: به مناسبت فرا رسیدن سالروز خبرنگار فرماندهی انتظامی شهرستان کازرون در آیینی از جمعی خبرنگاران تجلیل به عمل آورد. در این آیین که با حضور سرهنگ رزمجویی، سرهنگ احمدی جانشین فرماندهی، سرهنگ نیک زاد مسئول معاونت اجتماعی، سروان بادپا فرماندهی پلیس آگاهی و جمعی از خبرنگاران حضور داشتند، فرماندهی انتظامی شهرستان ضمن تبریک ایام الله دهه کرامت و تبریک ۱۷ مرداد ماه روز خبرنگار طی سخنانی عنوان داشت: حرفه خبرنگاری پُرخطر و حساس است به همین دلیل این حرفه در زمره مشاغل سخت محسوب شده است به طوری که اگر خبرنگار به دنبال خیر و کشف حقایق جامعه برود می تواند مشکلات و معضلات جامعه را تا حدودی برطرف کند. همچنین در صورتی که یک خبرنگار با نیروی انتظامی تعامل زیادی داشته باشد داغ‌ترین خبرها و جذابترین اخبار که متعلق به نیروی انتظامی است را می‌تواند در اختیار مخاطبانش قرار دهد.

رزمجویی در گوشه ای دیگر از سخنانش با توجه به سخنان مقام معظم رهبری در خصوص برخورد قاطعانه با کالای قاچاق گفت: در یک ماه گذشته ماموران پر تلاش نیروی انتظامی شهرستان بیش از ۱۹ میلیارد ریال کالای قاچاق و اموال مسروقه در این شهرستان کشف کردند. به طوری که در مدت مورد اشاره، ماموران این نیرو در مبادی ورودی و خروجی شهرستان چند محموله بزرگ کالای قاچاق شامل برنج، انواع نوشیدنی های خارجی و لوازم آرایشی به ارزش ۱۵ میلیارد ریال کشف کردند.

این مقام مسئول همچنین در بحث برخورد با جرائمی از قبیل سرقت عنوان داشت: در مدت زمان یاد شده بیش از ۱۵۰۰ سارق که بیشتر آنان سابقه دار هستند دستگیر شدند و از آنها مقادیری اموال مسروقه شامل وجه نقد، طلا و اسباب و وسایل منزل به ارزش بیش از چهار میلیارد ریال کشف شده و به مالباختگان طی مراحل قانونی تحویل شده است که خوشبختانه آمار سرقت در حال حاضر کاهش چشمگیری داشته است.

رزمجویی خاطر نشان کرد: تلاش ما بالابردن سطح امنیت در جامعه است ولی برخی از مردم فکری می کنند فقط نیروی انتظامی است که باید ایجاد امنیت کند در صورتی که عقیده ما

تودیع و معارفه رییس دادگاه عمومی بخش چنارشاهیجان



سرویس خبری/ ایمان احمدی:

در این مراسم، ابتدا محمد گودرزی به تشریح عملکرد خود به عنوان اولین ریس دادگاه عمومی بخش چنارشاهیجان سال ۱۳۹۱ تا کنون پرداخت و عنوان کرد با تمام کمبودها و مشکلات چه از لحاظ کارکنان و چه از لحاظ جا و مکان توانستیم نتیجه مطلوبی در بین ۳۰ حوزه قضایی بخش های استان داشته باشیم و جزو بالاترین ها باشیم.

در ادامه جلسه حجت الاسلام قهرمان عباسی امام جمعه قایمیه با برشمردن کار های درخور توجه آقای گودرزی شاخص ترین ویژگی های وی را مدیریت خوب و تربیت نیرو عنوان کرد و خاطر نشان کرد: مردم با انتخاب کارگزاران صادق و متعهد و برخوردار از روحیه زهد و تقوی و سپردن کار به این چنین افرادی، عدالت را در جامعه اقامه و گسترش خواهند داد.

خطیب جمعه قایمیه تنگ نظری، سیاست زدگی، مدیریت بسته و اختلافات تمصیی را باعث از دست رفتن فرصت‌ها دانست و عنوان کرد اگر این چنین مواردی کنار گذاشته

شود بخش چنارشاهیجان می تواند به جایگاه عالی و شایسته خود برسد.

اسکندر معصومی بخشدار چنارشاهیجان نیز در ادامه جلسه با تقدیر و تشکر از زحمات و خدمات شایسته گودرزی بیان داشت: همه ما باید در انجام کار و خدمت رسانی به مردم، خشنودی و رضایت خداوند را سرلوحه کار خود قرار دهیم چراکه تنها عنصر و عامل موفقیت ما در به سرانجام رساندن امور، تنها یاد خدا و برای رضای خدا کار کردن است.

وی در ادامه با بیان اینکه مشکلاتی در بخش وجود دارد اما پتانسیل های زیادی نیز وجود دارد اظهار داشت: دولت تدبیر و امید خدمات خوبی در عرصه خدمات رسانی در بخش چنارشاهیجان ارائه نموده است. وی به تشریح خدمات دولت تدبیر و امید در حوزه راه و بهداشت و آموزش پرورش و گاز رسانی و... پرداخت.

همچنین در ادامه جلسه دکتر نجیبی معاون قضایی رییس کل دادگستری استان فارس با بیان اینکه سرعت و دقت حرف اساسی در حوزه قضایی را می‌زند اظهار داشت: ارتقای سرعت در رسیدگی، نیاز به هماهنگی کلیه دستگاهها و مساعدت مردم دارد و برای این کار نیاز به فناوری و ابلاغ الکترونیکی است.

وی در ادامه با اشاره به اینکه ابلاغ الکترونی باعث حذف اوراق کاغذی می شود عنوان کرد: همه مردم در سال جاری دارای یک شناسه کاربری و رمز ورود اختصاصی خواهند شد.

دکتر نجیبی گفت: دفاتر خدمات خصوصی در استان و بخش چنارشاهیجان افتتاح خواهد شد تا استفاده از نیروی

کانون فرهنگی دانشکده سما واحد کازرون، رتبه اول کشور شد



در این مرکز مشغول تحصیل می‌باشند. در ادامه خانم مهوش ریسی مدیر فرهنگی سما واحد کازرون با بیان اینکه واحد فرهنگی سمای کازرون از فعال ترین مراکز سمای کشور است، گفت: این موفقیت بزرگ حاصل تلاش مدیریت، استادان، کارکنان و دانشجویان این مرکز است و باید به مجموعه سما و دانشگاه آزاد اسلامی کازرون و مردم فرهنگ دوست شهرستان تبریک گفت.

مدیر فرهنگی سما کازرون افزود: در جشنواره کشوری پویش که از سوی سازمان سمای کشور در شهرستان چالوس برگزار

شده بود شرکت کردیم و ضمن پیشرفت آموزشی، پژوهشی و فرهنگی، لوح سپاس کشوری را در سازمان در زمینه های توسعه و این جشنواره دریافت نمودیم.